

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: جیمز ای لوکاس
برگردان از: آمادور نویدی
۳۰ جون ۲۰۱۶

امریکا پس از جنگ جهانی دوم در ۳۷ «کشور قربانی» بیش از ۲۰ میلیون نفر کشته است

۱

این مطالعه نشان می دهد که نیروهای نظامی امریکا مستقیماً مسؤول حدود ۱۰ تا ۱۵ میلیون مرگ و میر در طول جنگ های کوریا ، ویتنام و عراق هستند. جنگ کوریا نیز شامل مرگ و میر چینی ها شده است، در حالی که جنگ ویتنام نیز شامل تلفات در کامبوج و لائوس گشته است. مردم امریکا احتمالاً از این ارقام آگاهی ندارند و حتی درباره جنگ های نیابتی که امریکا نیز مسؤول آن است چیز کمی می دانند. در جنگ های نیابتی در افغانستان، انگولا، جمهوری دمکراتیک کنگو، تیمور شرقی، گواتمالا، اندونزیا، پاکستان و سودان، بین ۹ تا ۱۴ میلیون کشته وجود داشته است.



پس از حملات فاجعه بار ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱، در روان امریکایی ها غم و احساس به یادماندنی از خشم و ناامیدی قابل درکی رسوخ کرد. در آن زمان تعداد کمی از مردم تلاش کردند که با اشاره به این که امریکا در به وجود آوردن همین احساسات در مردم دیگر کشورها نیز مسؤول بوده است، به ترویج یک چشم انداز متوازن بپردازند، اما آن ها به سختی توانستند موجی تولید کنند. اگرچه امریکایی ها خرد و دانش مردم سراسر جهان را در همدلی و تأکید بر عذاب یک دیگر به طور خلاصه درک می کنند، اما یادآوری چنین اشتباهات مرتکب شده توسط ما کشور، گوش شنوایی نداشت و خیلی زود با شتاب تحت الشعاع «جنگ علیه تروریسم» قرار گرفت.

اما ما باید به تلاش خود برای گسترش درک و دل سوزی در جهان ادامه دهیم. امید است که این مقاله در انجام آن تلاش با پرداختن به سؤال « امریکا پس از جنگ جهانی دوم چند ۱۱ سپتمبر به وجود آورده است؟» کمک کند. موضوع این گزارش شامل ارقام تخمینی مرگ و میر ۳۷ کشور جهان است و هم چنین به شرح مختصر چرا امریکا مقصر است، می پردازد.

علل جنگ ها پیچیده هستند. ممکن است در برخی موارد کشورهایی به غیر از امریکا مسؤول مرگ و میر بیشتری شده باشند، اما اگر دخالت کشور ما علت لزوم جنگ و یا درگیری به نظر رسیده باشد، مسؤول آن مرگ و میر در نظر گرفته شده است. به عبارت دیگر اگر امریکا از دست سنگین (مداخله قدرت) خود استفاده نکرده بود، آن جنگ ها احتمالاً به وقوع نمی پیوستند. قدرت نظامی و اقتصادی امریکا مهم است.

این مطالعه نشان می دهد که نیروهای نظامی امریکا مستقیماً مسؤول حدود ۱۰ تا ۱۵ میلیون مرگ و میر در طول جنگ های کوریا و ویتنام و عراق هستند. جنگ کوریا نیز شامل مرگ و میر چینی ها شده است، در حالی که جنگ ویتنام نیز شامل تلفات در کامبوج و لائوس گشته است.

مردم امریکا احتمالاً از این ارقام آگاهی ندارد و حتی درباره جنگ های نیابتی که امریکا نیز مسؤول آن است چیز کمی می دانند. در جنگ های نیابتی در افغانستان، آنگولا، جمهوری دموکراتیک کنگو، تیمور شرقی، گواتمالا، اندونزی، پاکستان و سودان، بین ۹ تا ۱۴ میلیون کشته وجود داشته است.

اما قربانیان تنها از کشورهای بزرگ و یا بخشی از جهان نیستند. مرگ های باقی مانده در کشورهای کوچک تر شامل بیش از نیمی از کل تعداد کشورهاست. تقریباً تمام بخش های جهان هدف مداخله امریکا قرار گرفته اند.

نتیجه گیری کلی به دست آمده آن است که پس از جنگ جهانی دوم، امریکا به احتمال بسیار زیاد مسؤول مرگ بین ۲۰ تا ۳۰ میلیون نفر در جنگ ها و درگیری های پراکنده در سراسر جهان بوده است.

برای خانواده ها و دوستان قربانیان جنگ اهمیتی ندارد که علل جنگ، اقدام ارتش امریکا، نیروهای نظامی نیابتی، تدارکات تجهیزات نظامی امریکا، یا مشاوران، یا راه های دیگری، مانند فشار اقتصادی اعمال شده توسط کشورمان باشد. آن ها باید درباره چیزهای دیگری مانند پیدا کردن عزیزان از دست رفته خود، یا پناهنده شدن، و چه گونه زنده ماندن تصمیم بگیرند.

و درد و خشم حتی بیشتر گسترش می یابد. برخی مقامات تخمین می زنند که به ازای یک نفر که در جنگ می میرد، حدود ۱۰ نفر زخمی وجود دارد. مشاهده و ادامه درد و رنج، همیشه یادآور هم وطنان آنهاست.

این ضروریست که امریکائی ها بیشتر درباره این موضوع یاد بگیرند تا بتوانند احساس درد دیگران را درک کنند. مشاهده شد که المان ها در طول جنگ جهانی دوم «انتخاب کردند که ندانند». ما نمی توانیم به تاریخ اجازه بدهیم تا این را درباره کشور ما بگوید. سؤال مطرح شده در بالا چنین بود که «امریکا پس از جنگ جهانی دوم مرتکب چند تا سپتمبر ۱۱ در دیگر کشورها شده است؟ پاسخ این است: احتمالاً ۱۰۰۰۰ (ده هزار).

نظرات بر جمع آوری این ارقام

اگر به طور کلی صحبت کنیم، تعداد بسیار کمتر امریکائی هایی که کشته شده اند در این مطالعه گنجانده نشده اند، نه به این دلیل که آنها مهم نیستند، بلکه بدین جهت که این گزارش بر تأثیر اعمال امریکا بر مخالفانش متمرکز شده است.

رسیدن به شمار دقیق تعداد کشته ها آسان نیست و این مجموعه از داده ها با تحقق کامل این واقعیت انجام شد. این تخمین ها به احتمال زیاد بعدها توسط خواننده ها و نویسنده ها با بالا یا پائین رفتن، تجدید نظر شود. اما بدون شک مجموع در میلیون ها باقی می ماند.

سختی جمع آوری اطلاعات قابل اعتماد در این زمینه توسط دو تخمین نشان داده شده است. به مدت چندین سال، من از رادیو اظهاراتی شنیدم که تحت خمرهای سرخ، سه میلیون کامبوجی کشته شده اند. با این حال، شماری را که در سال های اخیر شنیدم یک میلیون بود. مثال دیگر آن است که تعداد افراد کشته شده در عراق به علت تحریم ها پس از جنگ اول امریکا با عراق بیش از یک میلیون نفر تخمین زده شده بود، اما در سال های اخیر، بر مبنای مطالعه اخیر و یک تخمین کمتری حدود نیم میلیون پدید آمده است.

اغلب اطلاعات در باره جنگ ها بسیار دیر و تنها زمانی آشکار شده است که شخصی تصمیم بگیرد درباره اش صحبت بکند، و یا وقتی که به علت تلاش های مداوم عده قلیلی اطلاعات محرمانه بیشتری، پس از پایان گزارشات کمیته های ویژه کنگره آشکار شده است.

هر دو کشور پیروز و شکست خورده ممکن است که دلایل خود را برای کم نشان دادن تعداد کشته های خود داشته باشند. به علاوه، در جنگ های اخیر که امریکا درگیر بوده است، غیرمعمول نیست اظهاراتی بشنومیم مانند «ما تعداد کشته ها را نمی شماریم» و یا برای یک حسن نیت به «آسیب جانبی» کشته و معلولین رجوع شود. زندگی برای برخی ها بی ارزش است، به ویژه آنهایی که مردم را در مورد میدان جنگ شست و شوی مغزی می دهند، تو گوئی که یک صفحه شطرنج است.

این که بگوئیم گرفتن شمار دقیق کشته و زخمی ها مشکل است، به معنی آن نیست که بگوئیم ما نباید تلاش بکنیم. برای رسیدن به رقم ۶ میلیون یهودی کشته شده در طول جنگ جهانی دوم تلاش ضرورت داشت، اما دانش این رقم اکنون گسترش یافته است و به تصمیم برای جلوگیری از هولوکاست های آینده دامن زده است. مبارزه ادامه دارد. با نویسنده می توان با آدرس زیر تماس گرفت:

lucas511@woh.rr.com

۳۷ کشور قربانی

افغانستان

امریکا با فریب اتحاد جماهیر شوروی در حمله به افغانستان، مسؤول بین ۱ تا ۱/۸ میلیون (یک میلیون و یک میلیون و هشتصد هزار) نفر مرگ و میر در طول جنگ بین اتحاد جماهیر شوروی و افغانستان است. (۱،۲،۳،۴)

اتحاد جماهیر شوروی روابط دوستانه ای با همسایه خود، افغانستان داشت، که یک دولت سکولار بود. شوروی ترسید که اگر آن دولت به بنیادگرایی تبدیل گردد، این تغییر می تواند به اتحاد جماهیر شوروی کشانده شود.

زیگیو برژینسکی، مشاور رئیس جمهور کارتر، در سال ۱۹۹۸، در یک مصاحبه با نشریه پارسی لی نوول آبزورور، اعتراف کرد که او مسؤول تحریک کمک به مجاهدین در افغانستان بود که باعث حمله شوروی شد. طبق گفته او:

با توجه به نسخه رسمی تاریخ، کمک سیا به مجاهدین در سال ۱۹۸۰ شروع شد، یعنی، پس از آن که ارتش شوروی در ۲۴ دسمبر ۱۹۷۹ به افغانستان حمله کرد. اما واقعیتی که تا کنون مخفی مانده است، کاملاً چیز دیگری است. در واقع،

این تاریخ ۳ جولای سال ۱۹۷۹ بود که رئیس جمهور کارتر اولین دستور برای کمک مخفی به مخالفان رژیم طرفدار شوروی در کابل را امضاء کرد. و از آن روز، من یادداشتی به رئیس جمهور نوشتم که به او توضیح دادم که به عقیده من این کمک، شوروی را به مداخله وادار می کند. (۵، ۱، ۶)

برژینسکی از آنجائی که گفت به اتحاد جماهیر شوروی ویتنام او را داد و باعث فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی شد، گذاشتن این دام را توجیه می کند. او گفت: «چه پشیمانی؟» «عملیات مخفی یک عقیده عالی بود. بر اثر این طرح روس ها به تله افغانستان افتادند و شما می خواهید که من پشیمان باشم؟» (۷).

سیا ۵ تا ۶ میلیارد دلار بر روی عملیات خود در افغانستان خرج کرد تا خون اتحاد جماهیر شوروی را بریزد. (۳، ۲، ۱) وقتی که ۱۰ سال جنگ پایان یافت، بیش از یک میلیون نفر کشته شده بودند و هروئین افغانستان ۶۰٪ بازار امریکا را تسخیر کرده بود. (۴)

امریکا مستقیماً مسؤول مرگ حدود ۱۲۰۰۰ * نفر در افغانستان بوده است که بسیاری از آن کشتارها ناشی از بمباران در تلافی حملات به دارائی امریکا در ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ بوده است. پرسنل نظامی امریکا پس از آن حملات به افغانستان حمله کردند.

انگولا

در سال ۱۹۶۱ در انگولا یک مبارزه بومی علیه حاکمیت پرتگالی ها شروع شد. در سال ۱۹۷۷ سازمان ملل یک دولت آنگولائی را به رسمیت شناخت، اگرچه امریکا از چند کشور معدودی بود که مخالف این اقدام بود. در سال ۱۹۸۸، عمو سام کمک های مادی را به یونیا، گروهی که در صدد سرنگونی دولت بود، تأیید کرد. حتی امروز هم این مبارزه، که در آن زمان شامل چندین کشور بود، ادامه دارد.

مداخله امریکا در انگولا برای مردم امریکا به عنوان واکنشی بر مداخله ۵۰۰۰۰ (پنجاه هزار) پرسنل کوبائی توجیه شده بود. با این حال، طبق گفته پی پرو گلجیسیس، استاد تاریخ دانشگاه جان هاپیکینز، عکس آن صادق بود. مداخله کوبائی ها به علت حمله مخفی با حمایت مالی سیا از طریق کشور همسایه زئیر، برای رفتن به پایتخت توسط متحد امریکا، افریقای جنوبی بود. (۳، ۲، ۱). (سه تخمین درباره تعداد کشته ها از ۳۰۰ هزار تا ۷۵۰ هزار (۵، ۴، ۶)

ارجنتاین: به بخش مربوط به امریکای لاتین نگاه کنید: عملیات کوندور/کرکس امریکائی
بنگله دیش: به بخش مربوط به پاکستان نگاه کنید

بولیوی

هوگو بانزر در دهه ۱۹۷۰ رهبر رژیم سرکوبگر بولیوی بود. امریکا از این ناراحت شده بود، که رهبر سابق، معادن قلع را ملی و زمین ها را بین دهقانان بومی تقسیم کرده بود. بعدها آن اقدام که به نفع فقراء بود، معکوس شد.

بانزر، که در مدرسه امریکائی زیر نظر امریکا در پاناما، و بعدها در فورت هود، در تگزاس آموزش دیده بود، فوراً از تبعید برگشت تا با روبرت لوندین سرگرد نیروی هوائی امریکا مشورت و رایزنی کند. بانزر در سال ۱۹۷۱ با کمک سیستم رادیوئی نیروی هوائی امریکا یک کودتای موفقیت آمیز به راه انداخت. او در سال های اول دیکتاتوری خود دو برابر ده سال گذشته باهم از امریکا کمک نظامی دریافت کرد.

چند سال بعد کلیسای کاتولیک ارتش را به قتل عام کارگران اعتصابی معادن قلع در سال ۱۹۷۵ متهم ساخت، بانزر، با کمک اطلاعاتی که توسط سیا ارائه شد، قادر به پیدا کردن و هدف قرار دادن کشیش ها و راهبه های چپ شد.

ستراتژی ضد روحانی او، شناخته شده به عنوان طرح بانزر، در سال ۱۹۷۷ توسط ۹ (نه) دیکتاتور دیگری امریکای لاتین به کار گرفته شد. (۲) او متهم به مسؤل مرگ ۴۰۰ نفر در زمان ریاست خود شده است. (۱) هم چنین نگاه کنید به امریکای جنوبی: عملیات کوندور برزیل: به امریکای جنوبی نگاه کنید: عملیات کوندور

کامبوج

بمباران کامبوج توسط امریکا تحت دولت های جانسون و نیکسون به مدت چندین سال به طور مخفی جریان داشته است، اما زمانی که رئیس جمهور نیکسون در آماده سازی برای حمله زمینی به کامبوج آشکارا شروع به بمباران کرد، موجب تظاهرات بزرگ علیه جنگ ویتنام در امریکا شد.

امروز از دامنه این بمب باران ها و درد و رنج بشری مربوط به آن کمترین آگاهی وجود دارد. آسیب بسیار زیادی بر روستاها و شهرهای کامبوج وارد شد، که باعث به وجود آمدن پناهندگان و کوچ جمعیت شد. این وضعیت بی ثبات، خمرهای سرخ، یک حزب سیاسی کوچک به رهبری پل پوت را قادر به کسب قدرت ساخت. بارها در طول سال ها درباره نقش خمرهای سرخ در مرگ میلیون ها کامبوجی شنیده ایم، بدون هیچ تصدیقی که این کشتار توده نی با بمباران کامبوج توسط امریکا ممکن شده بود، که آن کشور را با مرگ، صدمات، گرسنگی و آوارگی مردمش بی ثبات ساخت.

بنابراین، امریکا مسؤل نه تنها مرگ و میر ناشی از بمباران هاست، بلکه هم چنین مسؤل مرگ مجموع حدود ۲/۵ (دو و نیم) میلیون نفر ناشی از فعالیت های خمرهای سرخ است. حتی زمانی که بعدها ویتنام در سال ۱۹۷۹ به کامبوج حمله کرد، سیا هنوز از خمرهای سرخ حمایت می کرد. (۱،۲،۳) هم چنین به بخش ویتنام نگاه کنید.

چاد

تخمین زده شده است که در چاد، توسط دولت به رهبری حبیبین هابری، کسی که در جون سال ۱۹۸۲ با کمک مالی و سلاح سیا به قدرت رسانده شد، حدود ۴۰۰۰۰ (چهل هزار) نفر کشته و تا ۲۰۰۰۰۰ (دویست هزار) نفر شکنجه شده اند. او به مدت هشت سال در قدرت باقی ماند. (۱،۲)

دیده بان حقوق بشر ادعا کرد که هابری مسؤل کشتار هزاران نفر بود. در سال ۲۰۰۱، در حالی که او در سنگال زندگی می کرد، برای جنایاتی که در چاد مرتکب شده بود تقریباً محاکمه شد. با این حال، دادگاه این اقدامات را مسدود ساخت. سپس کسانی که در حقوق بشر کار می کردند، تصمیم گرفتند تا این پرونده را در بلجیم دنبال کنند، به این دلیل که برخی از قربانیان شکنجه هابری در آنجا زندگی می کردند. در جون سال ۲۰۰۳، امریکا به بلجیم گفت که اگر اجازه بدهد که چنین اقدام قانونی اتفاق بیفتد، در از دست دادن موقعیت خود به عنوان میزبان مقر فرماندهی ناتو خطر می کند. بنابراین، نتیجه آن شد که قانونی را که به قربانیان اجازه می داد تا در بلجیم برای جنایات مرتکب شده در خارج پرونده شکایت باز کنند، لغو شد. با این حال، دو ماه بعد یک قانون جدید وضع شد که ماده ویژه ای برای ادامه پرونده علیه هابری ساخت.

چیلی

سیا در انتخابات چیلی در سال های ۱۹۵۸ و ۱۹۶۴ مداخله کرد. در سال ۱۹۷۰، سالوادور آلنده، یک کاندید سوسیالیست به ریاست جمهوری انتخاب شد. سیا می خواست جهت جلوگیری از مراسم تحلیف یک کودتای نظامی راه بیندازد، اما رئیس ستاد ارتش چیلی، ژنرال رنه اشنایدر مخالف این اقدام شد. سیا سپس، به همراه برخی از افراد نظامی چیلی برای ترور اشنایدر طرح ریزی کرد. این طرح شکست خورد و آلنده زمام قدرت را در دست گرفت. ولی رئیس جمهور نیکسون منصرف نشد و دستور داد تا سیا زمینه را برای یک کودتا فراهم سازد. او گفت: «بگذار اقتصاد جیغ بکشد».

چیزی که دنبال شد جنگ چریکی، آتش سوزی، بمب گذاری، خرابکاری و ترور بود. آی تی تی (شرکت تولید جهانی مستقر در امریکا، برای تولید قطعات ویژه برای هوافضا، حمل و نقل، انرژی و بازارهای صنعت / شرکت بین المللی تلیفون و تلگراف-ویکی پیدیا - م) و دیگر شرکت های امریکائی با منابع مالی چیلی از تظاهرات و اعتصابات حمایت کردند. نهایتاً، در ۱۱ سپتمبر ۱۹۷۳، آلنده یا با خودکشی و یا با ترور در گذشت. در آن زمان هنری کسینجر، وزیر امور خارجه امریکا در باره چیلی گفت: «من نمی دانم چرا ما نیاز داریم بایستیم و ببینیم که یک کشوری به دلیل بی مسؤولیتی مردم خودش کمونیست شود.» (۱) در طول ۱۷ سال ترور تحت جانشین آلنده، ژنرال آگستو پینوشه، تخمین زده شده است که حدود ۳۰۰۰ نفر از مردم چیلی کشته شدند و بسیاری دیگر شکنجه و یا «ناپدید» گشتند. (۲،۳،۴،۵) هم چنین نگاه کنید به امریکای جنوبی: عملیات کوندور

چین

حدود ۹۰۰۰۰۰ (نهصد هزار) چینی در جنگ کوریا کشته شدند. برای اطلاعات بیشتر، نگاه کنید به: کوریا

کلمبیا

به علت حمایت امریکا از دولت تروریستی کلمبیا، تخمین زده شده است که از سال های ۱۹۶۰ تا سال های اخیر ۶۷۰۰۰ (شصت و هفت هزار) نفر کشته شده اند. (۱)

بنابر گزارش سال ۱۹۹۴ سازمان عفو بین الملل، از سال ۱۹۸۶، بیش از ۲۰۰۰۰ (بیست هزار) نفر به دلایل سیاسی به طور عمده توسط ارتش و متحدان شبه نظامی آن ها در کلمبیا کشته شده اند. عفو بین الملل ادعا کرد که «تجهیزات نظامی عرضه شده توسط امریکا، که ظاهراً برای استفاده علیه قاچاقچیان مواد مخدر تحویل داده شده است، توسط ارتش کلمبیا برای ارتکاب جنایت به نام «ضد شورش» مورد استفاده قرار گرفته است. (۲) در سال ۲۰۰۲ یک تخمین دیگر زده شد که هر سال ۳۵۰۰ نفر در جنگ داخلی کلمبیا با بودجه مالی امریکا کشته می شوند. (۳)

در سال ۱۹۹۶ دیده بان حقوق بشر گزارش «جوخه های ترور در کلمبیا» را صادر کرد، که آشکار ساخت مأموران سیا در سال ۱۹۹۱ به کلمبیا رفتند تا به ارتش در آموزش مأموران مخفی در فعالیت های ضد خرابکارانه کمک کنند. (۴،۵)

در سال های اخیر دولت امریکا تحت طرح کلمبیا کمک ارائه داده است. دولت کلمبیا به استفاده از اکثر کمک های مالی برای تخریب کشاورزی و حمایت از گروه های شبه نظامی متهم شده است.

کوبا

در حمله به خلیج خوک های کوبا در ۱۸ اپریل ۱۹۶۱، که پس از ۳ روز پایان یافت، ۱۱۴ نفر از نیروهای مهاجم کشته شدند، ۱۱۸۹ نفر به اسارت درآمدند و تعداد کمی فرار کرده و به کشتی امریکائی که منتظر بود، پیوستند. (۱) تبعیدیان اسیر شده به سرعت محاکمه شدند، تعداد کمی اعدام شدند و بقیه به جرم خیانت به سی سال زندان محکوم شدند. این تبعیدیان پس از ۲۰ ماه در ازای ۵۳ میلیون دالر غذا و دارو آزاد گردیدند.

برخی ها تخمین می زنند که تعداد نیروهای کوبائی کشته شده بین ۲۰۰۰ تا ۴۰۰۰ نفر بوده است. برخی دیگر تخمین می زنند که ۱۸۰۰ نفر از نیروهای کوبائی در یک بزرگراه باز توسط بمب ناپالم کشته شده بودند. به نظر می رسد که این کشتار سلف بزرگراه مرگ در عراق در سال ۱۹۹۱ بوده است، زمانی که نیروهای امریکائی بی رحمانه تعداد زیادی عراقی را در یک بزرگراه نابود کردند. (۲)

ادامه دارد

* - یادداشت:

ضمن ابراز امتنان خدمت همکار عزیز ما آقای "نویدی" جهت ترجمه این تحقیق افشاگرانه، باید بیفزاییم: جدا از استناد به این تحقیق، تا جایی که از مطالعه تاریخ در مقطع مورد نظر نویسنده این مطلب در سطح جهان بر می آید، عملکرد های نظامی ایالات متحده امریکا که در فرهنگ سیاسی به "امپریالیزم امریکا" اختصار یافته است، دارای ویژگی های ذیل بوده است:

- ۱- تمام مداخلات نظامی بدون استثناء در خارج از مرز های آن کشور صورت گرفته است.
- ۲- هیچ یک از مداخلات نظامی جهت حفظ امنیت و تمامیت ارضی امپریالیزم امریکا نبوده است.
- ۳- به همین اساس تمام مداخلات نظامی - بخوانید تجاوزات- که باعث ایجاد جنگها به صورت مستقیم و یا نیابتی شده است، همه و باز هم بدون استثناء تجاوزکارانه و در نتیجه غیر عادلانه بوده اند.
- ۴- در تمام این تجاوزات، هدف و نصب العین امپریالیزم امریکا، حفظ منافع شرکت ها و کارتل های امپریالیستی بوده است.
- ۵- تمام تجاوزات با تکیه بر مشتی از عناصر میهن فروش بومی آن کشور ها، از قماش کرزی ها، اشرف غنی ها، عبدالله عبدالله ها و سایر خائنان به ملت آن کشور ها صورت پذیرفته است.
- ۶- در تمام این تجاوزات در نهایت امپریالیزم امریکا از در سازش مطلق با طبقه حاکمه جنایتکار کشور مورد تهاجم کنار آمده، زمینه استمرار حاکمیت جنایتکارانه آنها را در ازای خدمت به امپریالیزم امریکا مساعد ساخته است- استثنای صدام حسین و یکی دو مورد در امریکا لاتین، نافی خط کلی آن ستراتیژی نیست.
- ۷- در تمام تجاوزات، عمده ترین قربانی تجاوز، توده های پای برهنه کشور مورد تجاوز بوده است.
- ۸- در انجام این تجاوزات، امپریالیزم امریکا از حمایت کامل امپریالیزم به مثابه یک سیستم بهره برده، اکثریت قریب به اتفاق کشور های امپریالیستی به شکلی از اشکال در مشتعل نگهداشتن کوره های آدم سوزی امپریالیزم امریکا سهیم بوده اند.
- ۹- تجاوزات خونبار امپریالیزم امریکا در تمام کشور های مورد تجاوز، ضمن نابود ساختن نیروهای مولده آن کشورها، با به جای گذاشتن تلی از خون و خاکستر در قفاپش، به ده ها و حتا صد ها سال، کشور مورد تجاوز را از بستر رشد سالم و موزون باز داشته است.

۱۰- رقم ۱۲۰۰۰ تلفات جانی در افغانستان، فقط همان سال ۲۰۰۱ را می‌تواند پوشش دهد. و با در نظر داشت آن که ماشین کشتار امریکا در طی این ۱۴ سال بعدی نیز بدون وقفه فعال بوده و بدون انقطاع از خلق ما قربانی گرفته است، با آن که دسترسی به احصائیه های دقیق میزان تلفات انسانی، مطلقاً وجود ندارد، مگر به صورت تخمینی با احتساب حد اقل سالانه ۱۰ هزار قربانی، بیش از ۱۴۰ هزار افغان از آغاز حملات جنایتکارانه امپریالیزم امریکا بر افغانستان تا اینک، در کوره های آدمسوزی سیستم امپریالیستی نابود شده اند.

۱۱- در تمام کشور های مورد تجاوز، عقب مانده ترین اقشار و طبقات جامعه در کشور مورد تجاوز، متحد امپریالیزم امریکا بوده اند، چنانچه در افغانستان، این اقشار و طبقات نمایندگان سیاسی شان را در وجود نیروهای اخوانی و دلان آمده از غرب- در کل کمپرادوریزم- در کنار امپریالیزم امریکا دارند.

۱۲- ارتش امریکا و نیروهای امنیتی و ابسته به آن در هیچ یک از تجاوزات بر سایر کشورها، به هیچ یک از مقرره های جهانی در مورد "جنگ" و "صلح" کمترین توجهی ننموده، در تمام تجاوزات و بازهم بدون استثناء مرتکب جنایات جنگی و نقض حقوق بشر شده اند.

۱۳- و....

اداره پورتال AA-AA